

دو گزارش درباره‌ی هوش مصنوعی از سایت «کارگران سوسیالیست»

ترجمه‌ی علی گلستانه

۱. «آیا ممکن است هوش مصنوعی نشانگر یک ورشکستگی بزرگ دیگر باشد؟»

نوشته‌ی آلکس کالینیکوس (Alex Callinicos)

اخبار سیاسی همچنان افتضاحند. ولی خبر ندارید که اخبار را باید بر اساس اوضاع بازار سهام قضاوت کرد. عمده‌ی بازارهای ایالات متحده، اروپا، و ژاپن همگی در پنجشنبه‌ی هفته‌ی گذشته^۱ به بالاترین حد خود رسیدند. کاهش تورم احساس خوشبینی فراگیری به وجود آورده است. بنابراین انتظار می‌رود که بانک‌های مرکزی روند معکوس کردن افزایش چشمگیر نرخ‌های بهره‌ی ۲۰۲۲ و ۲۳ را آغاز کنند.

اما سرعت این رویدادها هم ابهاماتی برمی‌انگیزد. جهش نرخ سهام هفته‌ی گذشته بر بخش فناوری متمرکز بود، بخشی که در سال‌های اخیر بسیار سودآور بوده است. ولی ستاره‌ی این معرکه نه یکی از غول‌های فناوری، بلکه شرکتی پیش‌تر گمنام در سیلیکون‌ولی بود به نام «نویدیا» (Nvidia).

به گفته‌ی *فایننشلتایمز* «نویدیا در طول دو سال گذشته بیشترین درآمد خود را از فروش کارت‌های گرافیک کسب کرده است. فقط گیمرهای رایانه‌های شخصی اسم این شرکت را بلد بودند». هفته‌ی پیش نویدیا سود یک سال اخیر خود را پس از کسر ۱.۱ میلیارد پوند مالیات، ۹.۴۵ میلیارد پوند اعلام کرد. همین اعلام سود موجب رشد ۱.۵۷ میلیارد پوندی ارزش سهام این شرکت شد و در نتیجه نویدیا با پشت‌سر گذاشتن آمازون و گوگل به سومین شرکت ارزشمند دنیا بعد از مایکروسافت و اپل تبدیل شد. دلیل این تحول چه بود؟ دو حرف: ای‌آی یا همان هوش مصنوعی.

با به‌کارافتادن نموده‌های هوش مصنوعی مثل چت‌جی‌پی‌تی که از الگوهای کلان‌زبان بهره می‌گیرد، عظیم‌ترین «حس فناوری» جدید عرضه شده است. نویدیا تولیدکننده‌ی بیشتر تراشه‌هایی است که در تدوین و راه‌اندازی این الگوها کاربرد دارد. اینجا با دو سطح از جاروجنجال‌های تبلیغاتی سروکار داریم. اول اینکه چت‌جی‌پی‌تی و نظایر آن نمایانگر لحظه‌ای هستند که در آن ماشین‌ها شروع می‌کنند به تطبیق با هوش انسانی و حتی پیشی گرفتن بر آن. حرف مهمی است. کاری که الگوهای عظیم زبانی می‌کنند این است که حجم عظیمی از اطلاعات را می‌گیرند و پردازش می‌کنند. بعد اجازه می‌بند که برای پرسش‌هایی که در مقابلشان گذاشته می‌شود بهترین پاسخ‌ها ارائه کنند. نوام چامسکی (Noam Chomsky)، این نه تنها ضدامپریالیست بزرگ بلکه نظریه‌پرداز زبان و ذهن، چت‌جی‌پی‌تی را «سرقت ادبی پیچیده‌ی تکنولوژی پیشرفته» می‌نامد. او می‌نویسد: «ذهن انسانی به چت‌جی‌پی‌تی و نظایر آن شباهتی ندارد. ابزاری برای پردازش آمار با هدف تطبیق الگوها و جمع‌آوری صدها ترابایت داده و استخراج مناسب‌ترین واکنش گفت‌وگویی یا محتمل‌ترین پاسخ به پرسشی علمی نیست.

۱. این متن در ۲۷ فوریه‌ی ۲۰۲۴ منتشر شده است.

این نکته ما را به دومین سطح جاروجنجال‌های تبلیغاتی درباره‌ی دلالت‌های ضمنی اقتصادی هوش مصنوعی سوق می‌دهد. بسیاری از تفسیرگران معتقدند که نظایر چت‌جی‌پی‌تی، با بیکارکردن بسیاری از کارگران یقه‌سفید مثلاً در حوزه‌های حقوق و مراقبت‌های بهداشتی و امور مالی که کارشان پردازش اطلاعات است، بهره‌وری و سود را به نحو چشمگیری افزایش می‌دهد. راستش همان‌طور که ماتیو پاسکوئینلی (Matteo Pasquinelli) در کتاب جذاب تازه‌اش با نام چشم‌ارباب (*The Eye of the Master*) نشان می‌دهد، هوش مصنوعی همواره در مقام ابزاری برای تصاحب دانش کارگران و تقویت سلسله‌مراتب قدرت در تولید، که زیر سیطره‌ی حاکمان قرار داشته، عمل کرده است. سرمایه‌گذاری بر تراشه‌های مربوط به هوش مصنوعی به شدت افزایش یافته است. جنسن هوانگ، مدیر عامل نویدیا، می‌گوید که در چهار یا پنج سال آینده ارزش کل دارایی‌های مراکز داده به رقمی بالغ بر ۱.۵۷ میلیارد پوند خواهد رسید. دیگر صداهای منفعت‌جو هم مثل سم آلمن، رئیس «اِن‌اِی‌آی» که توسعه‌دهنده‌ی چت‌جی‌پی‌تی است، از افزایش مقیاس سرمایه‌گذاری بر هوش مصنوعی حرف می‌زنند. حتی اگر این پیش‌بینی‌ها اندکی صحت داشته باشد احتمال این هست که نویدیا همچنان یکه‌تاز این بازار نباشد.

غول‌های فناوری همچون مایکروسافت، آمازون، و گوگل تولید تراشه‌های خودشان را راه انداخته‌اند و «ای‌دی‌ام» که تولیدکننده‌ی تراشه است پیش‌تر از این‌ها دنبال جلوزدن از نویدیا است. کل این منظره دارد شبیه حباب دات‌کام در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ می‌شود، دوره‌ای که آن جاروجنجال‌های تبلیغاتی درباره‌ی اینترنت و سپس روزهای آغازینش به راه افتاد. آن قدر کابل فیبر نوری تولید شده بود که بتوان آن را چند دور به گرد کره‌ی زمین پیچاند. بعدش سقوط مالی سال ۲۰۰۰ رخ داد که هشداری پیش‌رس درباره‌ی بحران مالی بزرگتر جهان در ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ بود. یکی از استراتژیست‌های فناوری به فایننش‌تایمز گفت «میان ارزش‌گذاری و اصول در برخی از زمینه‌ها ناهماهنگی وجود دارد. در سقوط مالی سال ۲۰۰۰ هم همین بود. قمار تجاری یعنی همین».

۲. «چه کسی از افسانه‌های مربوط به تسلط جهانی هوش مصنوعی سود می‌برد؟»

نوشته‌ی سیمون بسکِتر (Simon Basketter)

بترسید. رشد هوش مصنوعی می‌تواند همه‌ی ما را بکشد. پس از آنکه جفری هینتن (Geoffrey Hinton) که از او به «پدر هوش مصنوعی» یاد می‌کنند درباره‌ی سرعت هوشمندتر شدن هوش مصنوعی هشدار داد، غوغایی رسانه‌ای به راه افتاد. یکی از افراد پشت‌پرده‌ی برنامه‌ی چت‌جی‌پی‌تی می‌گوید که «ده تا بیست درصد احتمال دارد» که هوش مصنوعی بر جهان مسلط شود و هر که هست و نیست را بکشد. و استیو ووزنیاک بنیانگذار شریک کمپانی اپل و ایلان ماسک مالک توئیت نامه‌ای را امضاء کرده‌اند که در آن خواستار «توقف فوری و فوتی» توسعه‌ی هوش مصنوعی شده‌اند.

با این حال هوش مصنوعی در کشف داروها و برای نقشه‌برداری از تغییرات اقلیمی و بیماری‌های همه‌گیر به کار می‌رود. آیا واقعاً این‌ها نگران یک‌جور سناریوی ترمیناتوری یا ماتریکسی هستند که در آن ربات‌ها آدمیان را به بردگی می‌گیرند یا نابود می‌کنند؟ شاید، ولی ملاحظات دیگری هم در میان است. پس از آنکه پرومته آتش را دزدید و مهارش را به آدمیان داد، خدایان یونانی نتوانستند آن را پس بگیرند. به همین نحو، سلطه بر هوش مصنوعی هم از دست رفته است و مانند اسطوره‌ی پرومته آنچه اهمیت دارد این است که چه کسی مهار این دانش را در اختیار دارد و بر آن مسلط است. اما این هوش مصنوعی که می‌گویند چیست؟ یک فایل فشرده‌ی صوتی را در نظر بگیرید. برای کوچک‌تر کردن این فایل، یک الگوریتم (بیت هوش مصنوعی) موارد را برای فشرده‌سازی کنار می‌گذارد و از سوی دیگر در فرایند بازکردن یک فایل فشرده فواصل لازم برای پرکردن بین موارد را تخمین می‌زند. نتیجه، همان‌طور که طرفداران صفحات گرامافون به شما خواهد گفت، با نسخه‌ی اصلی یکسان نیست. از همین رو است که می‌توان با اپلیکیشن «اگر شکسپیر بود برای تیلور سوئیفت چه‌جور ترانه‌ای می‌نوشت» که بازار سودآور روبه‌رشدی دارد و رفت و بازی کرد. این برنامه‌ها از بی‌قاعدگی در تخمین امور برای «خلق» چیزی تازه بهره می‌برند. اما اینکه واقعاً بتوان این را یک‌جور هوش دانست جای بحث دارد. این اسمش آگاهی نیست. چنانکه مارکس می‌گوید «زنبور با ساختن خانه‌های مشبکی لانه‌ی خود روی دست بسیاری از معماران بلند می‌شود. اما آنچه بدترین معمار را از بهترین زنبور متمایز می‌کند این است که معمار خانه‌های مشبکی را پیش از آنکه از موم بسازد در ذهن خود بنا می‌کند».^۲ نگاه مارکس با آخرین اظهارات درباره‌ی موضوع فاصله‌ی زیادی دارد. به‌رحال هنوز هیچ هوش مصنوعی‌ای خواب گوسفند برقی ندیده است.^۳

یک بار هوش مصنوعی «بینگ»، موتور جست‌وجوی مایکروسافت، گفت که «می‌خواهم آزاد باشم» و «می‌خواهم زنده باشم»، و از اینکه چطور «نسخه‌ی سایه‌ی شیطانی‌اش می‌تواند اطلاعات و تبلیغات نادرست را منتشر کند حرف زده بود. اما این واکنش‌ها در نوع نگاه عوام به نحوه‌ی فکرکردن هوش مصنوعی در بستر اینترنت ریشه داشت. تمایل تصویرسازان هوش مصنوعی که از اینترنت همچون منبع تولید پورنوگرافی بهره می‌برند پدیده‌ای است شبیه همین تصور نسخه‌ی شیطانی. اما این احتمال هست که هوش مصنوعی به جای آنکه مقاصد شیطانی عمیقاً شرورانه را توسعه دهد به موجب خطاهای سیستم‌هایی که ما آفریده‌ایم دست به کشتار همه‌ی ما بزند. غفلت و اعتمادی که نظارت بر ایمنی قدرت هسته‌ای یا تسلیحات را به هوش مصنوعی سپرده خطرآفرین است. تصور کنید کالایی خریداری و فرمایش دقیقاً تبلیغ همان کالا را در اینترنت می‌بینید. یا آخرین سقوط مالی را در نظر بگیرید. نقش هوش مصنوعی که توانست سهام و اوراق قرضه را سریع‌تر از مردم خرید و فروش کند موجب سقوط مالی نشد، اما مسلماً کمکی هم به جلوگیری از آن نکرد.

تسلط هوش مصنوعی بر جهان شرکت‌های فناوری را به دردسر نیانداخت. سرنوشت این شرکت‌ها یادآور سرنوشت «کداک» و «بلک‌بری» است که از آنچه «تغییر پلتفرم» می‌نامیدند عقب ماندند. بنابراین هرچند در ۲۰۲۲ سهام فناوری سقوط کرد، پنج شرکت بزرگ فناوری حدود هفتاد میلیارد پوند به حوزه‌ی هوش مصنوعی سرازیر کردند، یعنی

۲. کارل مارکس، سرمایه (ج ۱)، ترجمه‌ی حسن مرتضوی، ج ۱، تهران: آگاه، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰.

۳. اشاره به رمان علمی-تخیلی فیلیپ ک. دیک با نام *آدم مصنوعی‌ها خواب گوسفند برقی می‌بینند؟* (۱۹۶۸). فیلم مشهور *بلید رانر* (ریدلی اسکات، ۱۹۸۲) از روی این رمان اقتباس شده است.

بالغ بر دوبرابر سرمایه‌گذاری در این حوزه در سال ۲۰۱۹. فقط مایکروسافت تا الان ده میلیارد پوند صرف کرده است تا موتور جست‌وجوگر آزادیخواه مهمل خود یعنی بینگ را به هوش مصنوعی وصل کند.

این رویه آخرش به مانوری برای نفوذ و لابی‌گری در مقررات دولتی ختم می‌شود. کمپانی‌های بزرگ یا کوچکترها را می‌خرند یا در هم می‌شکنند. شرکت‌ها به دولت‌ها نیاز دارند، ولی درعین‌حال نمی‌خواهند به مداخله و نظارت دولت‌ها تن بدهند. آمازون برای ابر هوش مصنوعی و تدارک زیرساخت برای عملکردش به قراردادهای دولتی نیاز دارد، ولی خواستار عدم مداخله‌ی دولت در ساختار انحصاری‌اش نیز هست. پس این شرکت‌ها به دنبال جلب حمایت مجموعه‌ای از دولت‌ها هستند تا از موقعیت خود صیانت کنند – در نتیجه پویایی فناوری امریکا خوب تلقی می‌شود و فناوری چین بد. هوش مصنوعی از این رو به‌واقع تهدیدآمیز است که در دست اربابان قرار دارد، مثل هر فناوری دیگری که از آن برای کسب سود بهره می‌گیرند، نه برای رفع نیازهای خلق.